

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فریدون کاوه و پاینده پایمرد

۱۷ نومبر ۲۰۲۱

علیه اخلاق ضد انقلابی

(۲)

"کلیه تنوری های اخلاقی تا کنونی، سرانجام نتیجه شرایط اجتماعی - اقتصادی همان مرحله است. همان طوری که جامعه تا به امروز به اساس تضاد طبقاتی در حرکت بوده؛ همان طور هم اخلاق، اخلاق طبقاتی بوده و یا تسلط و منافع طبقات حاکمه را توجیه کرده و یا این که هنگامی که طبقه تحت ستم به اندازه کافی قوی بوده، نارضایتی علیه این تسلط و منافع آینده زحمتکشان را نمایندگی کرده است."

«ف. انگلس»

فردگرایی، اندیشه به خود و روش های تحمیل معنوی زحمتکشان و کتمان حقیقت به مدد تزویر و ریا و دروغ، در مرکز اخلاقیات طبقاتی طبقات ستمگر و ارتجاعی اعم از فئودالی، بورژوا - کمپرادوری یا بورژوائی و ورشکستگان ضد انقلابی قرار دارد. برای بقاء و تداوم ستم و استثمار امپریالیسم و ارتجاع، تحمیل معنوی زحمتکشان در مقیاس کشوری و فراملی مطرح شده و هم اندیشه ها، روش ها و ارزش های نفاق افکنانه، شوونیستی و حتی فاشیستی مزید بر تجاوز، اشغالگری و راه انداختن جنگ های منطقه ای و جهانی به حريم کشور ها و حقوق اساسی خلق های تحت ستم و... همه و همه در خدمت تحمیل، تشتت و سرکوب زحمتکشان و ملل تحت ستم جهان به روش اساسی مبدل می شود.

هستند ورشکستگان غیرانقلابی و یا سرشکستگان ضد انقلابی که در جریان کنشگری و شورشگری انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع، بنا بر دلایل ایدئولوژیک، سیاسی و عملی و تحت تأثیر سموم ایدئولوژی و اخلاق اندیشه به خود خرده بورژوائی/بورژوائی، از پای مانده، توانائی همراهی با جریان پیشرونده همسو با سیر رو به جلو تاریخ را از دست داده و در اوج استیصال و افلاس ایدئولوژیک - سیاسی و شکست اخلاقی، به قول لنین "به چنین ورشکستگی رقت انگیزی دچار گشته اند"، در مجموع به فردگرا های اندیشه به خود، منفعل، بی عمل، بی عار، زبان بریده، دسیسه

گر، سبوتاژگر و در موارد نادر، به خودفروختگان ضد انقلابی و تروریست با عملکرد استخباراتی مبدل شده اند. از منظر هنجار های اخلاقی این ورشکستگان غیرانقلابی و یا سرشکستگان ضد انقلابی تمامی کنش ها و روش های غیر شریفانه فوق الذکر نیز قابل توجیه بوده و توسط چنین افراد و حلقه های خو گرفته به گنداب رضا، تسلیمی و سکوت؛ علیه افراد و تشکل های شورشگر و کنشگر کاربرد دارد. این قماش خلع سلاح شدگان ایدئولوژیک - سیاسی رضایت داده به تسلیم و سجود و خو گرفته به تعفن گنداب های مجاور مسیرت انقلاب و آزادیخواهی، در مجموع با صفات ممیزه شورشگری و آزادیخواهی بیگانه شده و از موقعیت تسلیمی و بی زبانی مطلق، سکون و سکوت؛ خصم فریادگران و شورشگران انقلابی و آزادیخواه کشور اند و از همین موضع ضد انقلابی از گذشته تا حال با ارتجاع حاکم، با جلادان و جباران زمانه و امپریالیسم و فعلاً با فاشیست های دره به دست، زن ستیز و شوونیست طالبان حاکم همدستان شده اند.

از منظر این منحرفان ضد انقلابی طرفدار سکوت مطلق در ظلمتکده ارتجاعی - استعماری، وجود زنده ولو نچندان فعال نیرو های خصم ارتجاع و امپریالیسم مثل "ساما" و یا مطرح شدن نام و نشان آن و نام آوری ناموران انقلابی کشور، رها شدن تیری است این حالت سکون و سکوت سنگین را بر هم می زند؛ در حکم خدنگ تیزی است که بر چشم این منحرفان خوی گرفته با تعفن مرداب ها فرو می رود و لذا قابل تحمل نیست.

پس بی مورد نبوده است که این جعدان شب پرست پس از انحراف و ارتکاب خیانت ملی و تاریخی، در این ویرانکده ظلمتبار ارتجاعی - استعماری در حضيض ذلت و فرومایگی و از قعر تاریکی حتی علیه موجودیت و نام چنین نهاد های روشنگر و فریادگر خصم ارتجاع طالبی و امپریالیسم، با جواسیس دستگاه های استخباراتی امپریالیست های اشغالگر و شبنامه نویسان معلوم الحالی اتحاد نامقدس ببندند و در برابر واقعیت وجودی آن نهاد ها و فعالان آن و پژواک فریاد های آزادیخواهانه آنان، از زبان جواسیس بی هویت با دهن کجی برخورد کنند. این تصادفی نبوده است. در مواردی هم دیده شده است که برخی افراد در مسیر دشوارگذر و پرشکنج مبارزه، بنا بر دلایل ایدئولوژیک و موضع/جایگاه طبقاتی خویش، پس از وداع گفتن با رسالت مبارزاتی، برای پذیرفته شدن توسط نیرو های راست جامعه و جا افتادن در آن صف؛ بر اندیشه، ارزش ها و همزمان دیروزی خود به طور علنی تاخته اند. این مورد اخیر، از نکوهیده ترین روش هائی است که تا به حال برخی مدعیان سست عنصر و کاذب مبارزه پس از وداع با "وجدان فلسفی" شان، از خود بروز داده اند.

در مواردی هم بوده اند شورشگران کاذبی که در نتیجه شکست و ریخت های مسیرت انقلاب و آزادیخواهی، از نگاه ایدئولوژیک مسخ و استحاله شده و در عین وداع گفتن با اندیشه، اخلاق و آرمان انقلابی و متأثر از بدآموزی فکری - تربیتی، ضمن دوری گزیدن از ارزش های اخلاقی جمع گرایی، اندیشه به جمع و راه و رسم انقلابی؛ به ورطه اندیشه ها و ارزش های سخیف، نفاق افکنانه، لوکالیسم منحط و قوم و تبار گرایی آشکارا ضد انقلابی سقوط کرده، به قوم، زبان و سمت پناه برده و الگوی خویش را از جلادان مشهور انقلابیون و خلق افغانستان گرفته و با بی آزر می تمام به مدح جلادان تاریخ پرداخته اند.

این نوع اخیر، دردناک ترین نوع مرگ ارزش متعالی انسانی در وجود مدعیان نا استوار مبارزه انقلابی در جریان انحطاط همه جانبه چهار دهه اخیر کشور ما است که رو به قهقراء دارد.

چرا ورشکستگان و سرشکستگان ضد انقلابی پس از مسخ و تسلیمی به ارتجاع و امپریالیسم، دست به سبوتاژ در امر انقلابی و آزادیخواهی زده، به روش ها و فعالیت های استخباراتی و ترور همزمان دیروزی و فعالان سیاسی مخالف امپریالیسم و ارتجاع دست و دامن خویش را می آلاینند؟؟؟

پاسخ های این سؤال روشن است:

نخست - هستی اجتماعی فردی یا گروهی این قماش افراد منحرف، گنهکار و دارای مسائل حل نشده سکون، زبان بریدگی و سکوت توأم با رضا و تسلیمی در برابر امپریالیسم و ارتجاع را ایجاب می کند. این قماش خاموشی فریاد های آزادیخواهانه ستمکشان و شورشگران کشور را به نفع خود می دانند.

دوم - این روش های قبیح سبوتاژی، استخباراتی، سنگ اندازی و ترور فردی و افشای هویت افراد؛ همه نشانه "ورشکستگی رقت انگیز" ایدئولوژیک - سیاسی و افلاس تئوریک - منطقی این ضد انقلابیون ورشکسته و در مجموع ناتوانی اینان در دفاع از مواضع انحرافی، تسلیم طلبانه و ضد انقلابی شان است.

سوم - لجن پراکنی و فعالیت های تخریبی از موضع ضد انقلابی، برای خاموشی فریاد های انقلابی و آزادیخواهانه، بخشی از ذات گندیده و رسالت کنونی فردی و گروهی اینان است.

چهارم - این نماد های ورشکستگی، مسخ فکری و ضد انقلابی بخوبی می دانند که به سوی زباله دان تاریخ سیر بی برگشت قهقرائی دارند. لذا با سبوتاژ، ترور و اغتشاش آفرینی می خواهند تا تعدادی از افراد متوهم، ابله، ساده لوح و غافل را همراه و همسفر خویش بسازند.

پنجم - این احتمال نیز وجود دارد که این بار نیز اینان مثل موارد قبلی، توسط دستگاه های استخباراتی دول امپریالیستی استخدام شده باشند و این اعمال ضد انقلابی، میهن فروشانه و خائنانه را آگاهانه انجام بدهند.

۳ - تلاش های تخریبی و براندازنده رسانه های اجتماعی و برخورد اصولی به موضوع:

از مدتی بدین سو این نوع فعالیت های تخریبی در دنیای مجازی خاصاً در صفحات فیسبوک دیده می شود که افراد تحت نام های "سرخ تر از سرخ" و یا هم در عقب نام، تصاویر و شهرت نیکوی جانبازان انقلابی با پنهان ساختن هویت اصلی خود - هویت فردی و تشکیلاتی - ظاهر شده و مضامینی را به دست نشر می سپارند. ماهیت این نوع نوشته ها، گذشته از جنبه کلی گوئی و تکرار مکرر موضوعات عام تئوریک، مثل زهر نیش عقرب است. این عده با این کار هدفمند و یا هم عقده مندانه به گونه غیر مسؤولانه عقده های شخصی خویش را بیرون می دهند که در اکثر موارد باعث نومیدی و اغتشاش فکری هواداران این اندیشه و راه و رسم انقلابی می شود.

در شرایطی که خلق ما را ارتجاع و امپریالیسم از شش جهت پامال و سرکوب می کنند و با رقص و پایکوبی بر اجساد قربانیان خویش پیروزی خود را جشن گرفته اند، خیلی تأسف بار است که هویت و اسرار افراد مبارز به سهولت در اختیار دستگاه های استخباراتی که منتظر چنین روزی اند، قرار گیرد. چه بسا از "فیسبوک چلونکی" هائی که توسط سازمان های استخباراتی دول امپریالیستی و ارتجاعی هدفمندانه با همین منظور ایجاد شده باشند.

در چنین فضائی، افرادی از این آب گل آلود ماهی مراد خویش را صید کرده و مطالبی را مطرح می نمایند تا افرادی که سال ها آن موضوعات را در قفسه سینه حمل نموده و در زیر خطرناک ترین شکنجه ها دهن باز ننموده اند، امروز به گونه واکنشی و به بسیار سادگی آن را بیان کنند. اگر این عمل آگاهانه و یا ناآگاهانه باشد، نتیجه یکی است: با این عمل خویش به نفع دشمنان ملی و تاریخی خلق ما کار کرده اند.

برخورد درست این است که آن هائی که به این راه و رسم انقلابی باورمندی دارند، اگر می بینند که فردی برداشت یا موضع نادرست و غیراصولی دارد، باید با بحث علمی و منطقی به شیوه مستدل، سازنده و اصلاحی به قناعت وی

پرداخته تا فرد متذکره این را درک نماید که نویسنده نسبت به این فرد از سر دلسوزی و مسؤولیت پذیری برخورد کرده است. فقط این نوع برخورد سازنده و منطقی است که اصلاحی و ارتقائی بوده و باعث رهنمائی و کمک می گردد.

هر نوع پاسخ و انتقاد با الفاظ رکیک و توهین آمیز و تحقیر کننده و دور از چارچوب عفت کلام و به دور از فرهنگ سیاسی بحث، در عین آن که از تهی شدن چائنۀ فرد هتاک و افلاس منطقی او خبر می دهد، افراد هوادار را نسبت به این راه و رسم مأیوس و دلخور ساخته و اغتشاش و بی اعتمادی را دامن می زند.

بسیاری از افرادی هستند که شاید با ما مقداری همنوائی و یا در مباحثی اختلاف نظر داشته باشند و یا هم در ارائه فکر خود مشکل داشته باشند. این امر طبیعی است. باید تا می توان به چنین افراد با سعه صدر کمک کرد، نباید چنین افرادی را در بحث های فیسبوی به "زباله دان تاریخ" سپرد و یا به صف دشمنان خلق راند و با آن ها زور آزمائی فکری یا به قول فرزانه ای، "شاخ جنگی لومپنانه" کرد. چنان چه صدر مائو تسه دون می گوید:

"ما باید از هر کسی که اشتباه کرده، ولی نمی خواهد، بیماری خود را از ترس معالجه پنهان کند و روی اشتباه خود تا آن جایی که آخر الامر بیماری اش غیرقابل علاج شود، اصرار ورزد، بلکه به عکس از روش صداقت و صمیمیت به معالجه و اصلاح خود علاقه نشان می دهد؛ استقبال کنیم و او را معالجه کنیم تا بتواند رفیق شایسته ای گردد. چنان چه ما جلو خود مان را ول کنیم و او را بی رحمانه بکوبیم، هرگز موفقیت به دست نخواهیم آورد. در معالجه بیماری های ایدئولوژیک یا سیاسی هرگز نباید تند و خشونت به کار برد، بلکه باید شیوۀ "معالجه بیماری برای نجات بیمار" را که یگانه شیوۀ صحیح و مؤثر است، برگزید."

در اکثر موارد بحث های فیسبوی به جای وحدت و همسوئی و گسترش جمعی زیر درفش اندیشه های انقلابی، به جدائی ها انجامیده است. همین که فردی به مراد نویسنده تبصره ننویسد، بدترین الفاظ نثارش می شود که این صفت و خصلت نکوهیده از وجود مبارزان واقعی انقلابی دور باد!

در این گونه موارد نخست باید کوشید تا مخاطب خود را شناسائی نموده و مزید بر انگیزه اش، احاطه وی از مسائل مطروحه را بدانیم، چنانچه صدر مائو تسه دون در این مورد می گوید: "تحقیق و بررسی در یک مسأله شبیه ماه های حاملگی و حل آن مسأله مانند روز زایمان است. تحقیق و بررسی در یک مسأله در واقع به معنای حل آنست."

رویکرد و پاسخ درست مبارزان انقلابی و آزادیخواه کشور ما در قبال کلیه موارد تفکرات و عملکرد های انحرافی، ضد انقلابی و براندازنده عناصر ضد انقلابی و عوامل پیدا و پنهان سازمان های استخباراتی که توسط اخلاق ضد انقلابی توجیه می شود و همچنان علیه تفکر، روش ها و پیشامد های غیر اصولی افراد اشتباهکار؛ عبارت است از مراجعه به مبادی فکری، خط سیاسی، اخلاق انقلابی و موازین پیشرو و دقیق تشکیلاتی در درون و میان تشکلات پیشرو و در سطح جامعه. لازمه هر نوع بحث اصولی و سازنده، شناخت و اعتماد متقابل طرف های بحث و جدل است. روش منطقی و مستند بحث در چارچوب فرهنگ و ادبیات سیاسی بر پایه شناخت و اعتماد متقابل در عین این که راه را بر عناصر مشکوک، لفاظ، فحاش، محیل، کلاش و جواسیس هزار چهره و در مجموع دشمنان خلق می بندد، باب بحث و جدل مطلوب و سازنده میان مبارزان جدی و صادق را باز می گذارد.

برای گروه ها و تشکل های جدی انقلابی در این محیط ناسازگار برای رشد اندیشه ها و اخلاقیات و راه و رسم انقلابی، تأکید بر آموزش مستمر تئوریک اعضا و هواداران توأم با تجدید تربیت ایدئولوژیک و تشکیلاتی و راه انداختن کارزار های ایدئولوژیک - سیاسی از کانال های غیر فیسبوی و غیر انترنتی برای غلبه بر اندیشه ها و اخلاقیات ضد انقلابی و فعالیت های سبوتازی و براندازنده نیرو های مرتجع، محافظه کار، عوامل استعمار و ضد انقلابیون است.

پایان